



۲۰۱۶/۰۱/۱۲



دکتر محمد ظاهر عزیز  
سفير سابق افغانستان در یونسکو و اسپسکو

## حالت زار و ابتر معارف افغانستان

من تنها نیستم که نقش و اهمیت تعلیم و تربیه با کیفیت، مترقی، متوازن و متجسس را که هر یک از فرزندان و بزرگسالان بیسواد کشور ما به آن دسترسی داشته باشد، برای بهبود حیات عادی باشندگان کشور، خانواده ها و به میان آمدن



حکومت و دولت هوشیار، مسؤل، جوابگو و صادق و بالاخره ایجاد جامعه هوشیار، با فرهنگ، پیشرفته، مرفه و دارای شخصیت علمی و فرهنگی عالی، ضروری و مهم می دانم. همه دانشمندان بزرگ جهان با این حقیقت متفق الی نظرند که هیچ کشوری نمی تواند بدون داشتن و به راه انداختن تعلیم و تربیه مترقی، با کیفیت، متجسس و متوازن که جوابگوی ضرورت های فعلی و نسل های آینده آن کشور باشد به حل مشکلات حاد و یا هدف های بزرگ ملی شان دست یابد.

مشکلات حادی که ما افغان ها در حل آنها باید بکوشیم و یا اهدافی را که ما اجباراً به آنها برسیم و دسترسی حاصل نماییم، کدام اند که هنوز بعد از چهارده سال دروغ گویی ها، فساد سراسری و تعلیم و تربیه بی کیفیت در کشور هنوز هم با آنها دست و گریبان هستیم؟

مشکلات حاد در کشور ما بیسواد، (بیش از هفتاد فیصد مجموع نفوس در کشور که اکثر آنها را بزرگسالان و جوانان کشور تشکیل می دهند بیسوادند. بیش از هشتاد فیصد زنها در کشور بیسواد هستند). جهل، فقر، امراض، محرومیت ها، عدم دسترسی به مسؤلان حکومت پاک نفس و عاری از فساد، هوشیار و صاحب وجدان ملی و مردمی از مشکلات حاد و عمده به شمار می روند. حل مشکلات فوق و همچنان طرح برنامه های هوشیارانه در قالب سیاست و ستراتیژی ملی انکشافی به منظور رسیدن به هدف های بزرگ چون تعمیم و تحکیم وحدت ملی، عدالت اجتماعی، تعمیم صلح پایدار، تحکیم و تعمیم حقوق مساوی زن و مرد، دیموکراسی واقعی و حفظ هویت فرهنگ مردم افغانستان اهداف بزرگ محسوب می گردند که لازم است افغان ها به آنها نایل آیند.

هیچ کدام از مشکلات و یا هدف های فوق بدون تعمیم تعلیم و تربیه همگانی، مترقی و دارای ظرفیت و کیفیت تعلیمی که با در نظر داشت ضرورت های کافه مردم افغانستان برنامه ریزی و تطبیق شود، امکان ندارد. با صداقت می گویم که بدون چنین تعلیم و تربیه، نه مشکلات حاد فعلی را حل کرده می توانیم و نه به هدف های بزرگ ملی دسترسی خواهیم داشت و نه آینده مرفه را برای مردم افغانستان تأمین می توانیم.

اهمیت و ضرورت برنامه ریزی درست و تطبیق آن از طرف متخصصین مسلکی تعلیم و تربیه برای کسب تعلیم و تربیه با کیفیت و مترقی را می باید بیشتر از همه در قالب ارزش های معنوی مردم افغانستان جست و جو کرد. اگر در طی چهارده سال گذشته جست و جو نکردند، در آینده باید انجام دهند. دین مبین اسلام چهارده قرن قبل هدف ها و روش های مطلوب برای تعلیم و تربیه و جامعه هوشیار که با دیانت پاک در صلح و صفا و انسان دوستی زندگی نماید، معین نمود. اسلام به قابلیت بشر برای رسیدن به کمال علمی و انسانی و رفاه از راه کسب تعلیم و تربیه با کیفیت و همگانی اطمینان داشت. اسلام برای اولین بار در تاریخ بشریت فلسفه و روش تعلیمی آموزش دایم العمر را توصیه کرد و مسلمانان را دعوت نمود تا از (گهواره تا گور) دانش بجویند.

چون که کسب دانش در قید زمان و مکان نیست، این توصیه و روش تعلیمی در عصر معاصر از طرف سازمان تعلیمی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) تحت عنوان تعلیم و تربیه متداوم پذیرفته شده و به جهانیان توصیه گردیده است. حدیث شریف (طلب العلم فریضه علی کل مسلم والمسلمه) شاهراه بزرگی را برای رسیدن انسان ها به کمال فضیلت علمی و انسانی، به روی مسلمانان باز کرد. به این صورت اسلام مردان و زنان را به آموختن امر کرد تا بتوانند به نوبه خود تعلیم و تربیه فرزندان امروز و نسل های بعدی را به عهده گیرند.

خلاصه این که پذیرش سیاست ملی برای تعمیم و انکشاف معارف در کشور و طرح ستراتیژی برای رسیدن به اهدافی که در سیاست ملی انکشاف تعلیم و تربیه در نظر گرفته می شود می باید در حال تغییر و تحول باشد، پیشرفت های علمی را بپذیرد، شخصیت انسانی هر زن و مرد افغان را تکامل بخشد و فرزندان ما را آزاد، هوشیار، خلاق بار آرد و ملبس به نوعی دانشی بسازد که قابلیت رفع ضرورت های خود، خانواده خود را داشته باشند و در اعتلا و انکشاف کشور سهم هوشیارانه و صادقانه گرفته بتوانند.

هموطنان عزیز:

حالا مشترکاً مطالعه و ارزیابی می نمایم که در این مدت چهارده سال گذشته، زمانی که میلیون ها دالر از طرف جامعه بین المللی (سازمان های ملل متحد، جامعه اروپایی، بانک جهانی و کشورهای بزرگ دوست افغانستان) به کشور ما در جهت انکشاف و ارتقای معارف متوازن و با کیفیت کمک نمودند و همه کوشش را به کار بردند تا در برنامه های سواد آموزی، احیاء و انکشاف معارف در وطن ما سهم بگیرند، فرزندان ما به تعلیم با کیفیت دسترسی داشته باشند، تعلیم و تربیه بر حسب یک سیاست معقول و ستراتیژی و برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت در همه شقوق و رشته های تعلیم و تربیه، انکشاف نماید، ما در کدام حد انکشاف معارف در وطن خود هستیم؟

الف - بازگشت به مکتب و تعداد شاگردان در مکاتب افغانستان: با محرومیت هایی که فرزندان افغان برای کسب تعلیم و دانش مبتلا بودند، در سال ۲۰۰۲م هزارها دختر و پسر افغان با شعار (بازگشت به مکتب) در شهر های بزرگ به مکتب رو آوردند و این حرکت شایسته که با کمک سازمان های بین المللی چون یونسکو، یونیسف، اداره انکشافی ملل متحد و دول بزرگ جهان، امریکا، جاپان، جامعه اروپای غربی و دیگر کشورها، پشتیبانی شد، نوید بزرگی را برای انکشاف معارف در افغانستان به میان آورد و مادران و پدران را در جهت آینده نیک و پر بار فرزندان شان امیدوار ساخت.

به همین منظور بود که برای احیاء و انکشاف تعلیم و تربیه همگانی، با کیفیّت، متوازن و خاصناً برای تثبیت یک سیاست و ستراتیژی کوتاه مدت و دراز مدت که همه جنبه های انکشاف معارف (تعلیمات عمومی، مسلکی و

تحصیلات عالی) را در افغانستان در برگیرد، در سال ۲۰۰۳ میلادی نمایندگی دایمی افغانستان در یونسکو و ایسیسکو با همکاری یونسکو، کمیسیون عالی مستقل متخصصین تعلیم و تربیه را که متشکل بر متخصصین آزموده و متجرب افغان بود، تأسیس و شروع به کار نمود. این کمیسیون کار خود را در مدت کوتاه تکمیل نمود و گزارش خود را تحت عنوان (احیاء و انکشاف تعلیم و تربیه در افغانستان) به سه زبان (دري، پشتو و انگلیسی) تهیه نموده به رئیس جمهور (جناب کرزی)، وزارت های معارف، تحصیلات عالی و دیگر وزارت های مربوط تقدیم کرد. گزارش مذکور به کنفرانس عمومی یونسکو نیز تقدیم شد و از طرف کنفرانس عمومی یونسکو تقدیر و تصویب گردید.

آرزو و پیشنهاد کمیسیون عالی مستقل تعلیم و تربیه و سازمان یونسکو که به صحنه کنفرانس عمومی یونسکو نیز رسیده بود، این بود که وزارت معارف و وزارت تحصیلات عالی از پیشنهادات واضح و نهایت عملی کمیسیون، برنامه های قصیر المدت، میان مدت و طویل المدت برای انکشاف معارف با کیفیت و متوازن طرح نمایند و احیای دوباره معارف را در افغانستان به طوری پایه گذاری نمایند که هم در کمیت و هم در کیفیت معارف تأثیر عمیق و مثبت داشته باشد. ضمناً کمیسیون توصیه نموده بود که در طول سال های بعدی سیاست، پلان گذاری، نصاب تعلیمی و صورت اجرای تعلیم و تربیه بنا بر ضرورت کشور در تمامی امور معارف البته به توصیه متخصصین و استفاده از تکنالوجی، تعدیل، تجدید گردیده انکشاف یابد تا وطن ما و فرزندان افغان از کاروان انکشاف دانش به عقب نمانند.

اما افسوس که توصیه های متخصصین متجرب افغان و یونسکو از طرف وزارت های معارف و تحصیلات عالی فراموش شد و بعد از مدتی با فشار بیرونی و نامعقول، مخصوصاً وزارت معارف کمترین استفاده در جهت انکشاف عمومی معارف و پلان گذاری، از این گزارشی که حاصل کار متخصصین متجرب تعلیم و تربیه افغان بود و بنابر ضرورت های فرزندان افغان تهیه گردیده بود، نکرد.

من نهایت خوشحالم که امروز صدها هزار فرزند دختر و پسر افغان به مکتب می روند و در تعداد شاگردان مکاتب از سال ۲۰۰۲ میلادی تا حال افزودی قابل ملاحظه به عمل آمده است. اما، با تأسف که تعلیم و تربیت فرزندان افغان مانند دیگر کارهای حکومت آقای کرزی مخصوصاً در سال های اخیر دستخوش دروغ های سیاسی شد، در بیانیه ها و گزارش ها به ناحق معارف افغانستان را پندادند و تعداد شاگردان مکاتب را در جریان سال های آخر حکومت آقای کرزی به یازده میلیون و پنج صد هزار شاگرد بالا بردند که این رقم و احصائیه، دروغ محض و کاملاً ساخته دست مقام های عالی و تصمیم گیر وزارت معارف در جهت استفاده نا مشروع بود که امروز به صورت روشن بر ملا شده است. مکاتب هوایی، معلمان هوایی و شاگردان هوایی. مراد از کلمه هوایی نبود و نیست، است.

من با صلاحیت مسلکی به صفت معلم و شاگرد تعلیم و تربیه می گویم که تعداد شاگردان دختر و پسر که امروز به مکتب می روند بالاتر از هشت میلیون شاگرد نیست و اگر هشت میلیون فرزند افغان هر روز به مکتب بروند، من می گویم، شادباش وزارت معارف.

من در مورد دلایل عدم موفقیت وزارت معارف بر پس ماندگی تعلیم و تربیه در کشور به تفصیل در این نوشته اشاره خواهم کرد. در این جا تذکر می دهم که ارائه احصائیه وزارت معارف در زمان رژیم قبلی مبنی بر این که در کشور ما یازده میلیون و پنجصد هزار شاگرد هر روز به مکتب می رفتند، نه تنها دروغ است، بل خاک انداختن به چشم معارف در کشور است، فلذا قابل تقبیح نیز است چون که چنین دروغگویی فرزندان افغان را به دروغگویی و خیانت در دانش و وطن عادت می دهند.

ما می دانیم که در ولسوالی های تعداد کثیر ولایت های افغانستان بنا بر دلایل زیاد، مکتب و معلم محض به نام است، در حالی که نه شاگرد و نه معلم وجود دارند اما معلمان هوائی معاش می گرفتند و شاگردان هوائی در مجموع احصایه شاگردان در افغانستان حساب می شدند.

ب - کیفیت و ظرفیت تعلیم و تربیه در افغانستان: یکی از پس ماندگی عمده معارف وطن ما عدم کیفیت تعلیم است و این امر مشکلات عمده را در سطح دانش و فرهنگ عمومی مردم وطن بار می آورد. فرزندان ما که دسترسی به تعلیم دارند، به مکتب می روند، اما با سواد اندک و یا دانش کم که قطعاً او را در بهبود حیات فردی و خانوادگی کمک نمی توانند، از مکتب فارغ می شوند و کاغذی که ارزش علمی ندارد به دست می آورند.

من چند نفر از فارغان لیسه های کابل را می شناسم که در سطح خیلی پایانی تعلیمی از لیسه ها فارغ شده اند، آنها سواد اندک و معلومات ناچیز تعلیمی دارند. حتی به سوبه تعلیمات مکتب ابتدایی دانش تعلیمی و مسلکی ندارند.

مثال، آنها حدود اربعه کشور را نمی شناسند، نمی دانند که پایتخت کشور در زمان کدام شاه افغان از قندهار به کابل انتقال داده شد. فورمول کیمیاوی آب را یاد ندارند، حتی خبر ندارند که مکه معظمه به طرف غرب و یا شرق افغانستان موقعیت جغرافیایی دارد. شاید آنها شاگردان تنبل بودند، اما شهادتنامه صنف ۱۲ را حاصل کرده اند، شهادتنامه ای که به درد او نمی خورد، لذا کاغذ بی حاصل است.

من به معلمان کشور ما احترام خاص دارم، زیرا می دانم که وظیفه معلم مقدس است، اما به پیاده نکردن تعلیمات مسلکی شایسته برای بلند بردن سوبه تعلیمات دارالمعلمین ها و معلمان شامل خدمت، معلمان نتوانستند به ارتقای سوبه تعلیمات مسلکی معلمان دسترسی داشته باشند. من می دانم که وزارت معارف برنامه های ارتقای سوبه تعلیمات عمومی و مسلکی معلمان را با (ان، جی، او) هایی که کوچکترین دانشی در تعلیم و تربیه مسلکی تربیه معلم داشته باشند، قرار داد نموده، به آنها سپردند و به این صورت میلیون ها دالر را به خاک سپردند. در این راه کشور های کمک کننده و بانک جهانی نیز مقصر اند.

من هیچ (ان، جی، او) را نه در کشورهای پیشرفته و نه در کشورهای پس مانده می شناسم که در مسلک خیلی پیچیده و مهم تعلیمات مسلکی تربیه معلم، صلاحیت و شخصیت مسلکی داشته باشد. اما در وطن ما هرکس هر کاری را انجام داده می تواند.

ضمناً می دانیم که امروز حتی در پایتخت کشور و حوالی آن، شاگردان محض دو ساعت درس می خوانند. شما خود قضاوت نمایید که در نبود نصاب تعلیمی مناسب، و نبود معلم مسلکی و در نداشتن کتاب درسی مناسب، شاگرد با دو ساعت در صنف از معلمی که دانش مسلکی اندک دارد چه می آموزد؟

خلاصه این که سوبه تعلیمی در کشور در مکاتب ابتدایی، لیسه ها، مکاتب مسلکی، دارالمعلمین ها و پوهنتون ها، مؤسسات تعلیمات عالی به پائین ترین درجه کیفیت و ظرفیت تعلیمی قرار دارد.

من آرزومند بودم که حکومت وحدت ملی تحت قیادت رئیس جمهور و یا رئیس اجرائیه در شروع کار و خدمت گزاران خود به کشور و مردم افغانستان، وظیفه مهم و مقدس شان را که تعلیم و تربیه فرزندان کشور است، جدی و مهم می گرفتند. کسانی را برای رهبری تعلیمات عمومی و عالی انتخاب می نمودند که توانایی علمی، مسلکی، تخصص و شایستگی، پاک نفسی و وطن خواهی حقیقی را داشته باشند. در غیر آن بیسوادی قابل ملاحظه مردم کشور خاصاً زنان که امروز مرض کشنده ارتقای فرهنگ و دانش در کشور است، دایماً گریبانگیر مرد و زن افغان خواهد بود. من

امیدوارم که حکومت وحدت ملی آرزومندی خدمت گزارانه را به مردم وطن داشته باشد و این وظیفه مقدس شان را که تعلیم و تربیت فرزندان کشور است، فراموش ننمایند و نه از طرف نسل های بعدی تقبیح می شوند.

ج - دلایل مؤجبه بر پس ماندگی معارف بی کیفیت در کشور: من گفتم که برنامه انکشاف معارف، تعلیم و تربیه در سطوح تعلیمات عمومی و عالی در سال های ۲۰۰۲ میلادی و چند سال بعد با خوشبینی و با مشورت سازمان های تخصصی ملل متحد، یونسکو و دیگر سازمان ها و همچنان با همکاری مالی بانک جهانی و کشور های دوست افغانستان آغاز و با همه مشکلات و حتی نبود دستگاه و ادارات دولتی فعال، به پیشرفت های خوب نایل گردید. اما، بعداً به مشکلات اداری، فساد و دیگر عواملی مبتلا شد که من عمده ترین آنها را ذکر می نمایم:

۱- معارف، مانند دیگر امور کشور، دچار مرض سیاسی گردید و توجه مسؤلان بیشتر به نشر احصائیه های نادرست و دروغین افزودی شاگردان به مکتب، معطوف شد. به عبارت دیگر معارف را آله تبلیغات سیاسی و نشراتی در داخل و خارج از افغانستان ساختند. خارجی ها، کشور های کمک کننده و بانک جهانی می دانستند که این نوع گفته ها دروغ و ساختگی است، اما خود را چپ گرفتند.

۲ - رهبری و اداره معارف را به کسانی سپردند که با دستگاه سیاسی ریاست جمهوری نزدیکی داشتند، اما کمترین صلاحیت و تعلیم مسلکی، تجربه کاری و یا تخصصی در امور تعلیم و تربیه داشتند. رهبری معارف در دست کسانی سپرده شد که یک روز هم در یک مکتب درس نداده اند و یا یک کورس مسلکی تعلیم و تربیه را نگرفته بودند.

۳ - از مشورت و پیشنهادات متخصصین افغان در امور و شقوق تعلیم و تربیه، اداره تعلیم و تربیه، امور اقتصادی و انکشافی تعلیم و تربیه یا هیچ استفاده نشد و یا کمترین استفاده گردید. دستگاه اداری و تصمیم گیر معارف تنها به مشورت های مشاورین ارشد و نیمه ارشد (ان، جی، او) ها و جوان های کم تجربه و غیر مسلکی در امور تعلیم و تربیه با دادن معاشات دالری خیلی بالا، اکتفا کردند.

۴ - از نصاب تعلیمی پیشرفته و تهیه مواد درسی، از آنجمله کتب درسی مناسب که با دانش و دست کاری متخصصین تعلیم و تربیه مطابق به نصاب تعلیمی پیشرفته تهیه گردد و در مؤسسات تربیه معلم و مکاتب تجربوی به کار برده شود، خبر خوش آیندی در دست نیست. کتب درسی با صد ها غلطی املائی و انشایی در خارج از کشور حتی در اندونیزیا با مصرف هنگفت چاپ و تهیه شد. وزارت معارف حتی نتوانست مطبوعه معارف را دوباره احیاء نماید.

۵ - معارف و اداره معارف افغانستان دچار فساد و خیانت عمده گردید. مکاتب هوایی، معلمان هوایی و شاگردان هوایی را خلق کردند. کمک های جامعه بین المللی را به مهارت زیاد دزدیدند. امروز هیأت دولتی ثابت کرده است که ملیون ها دالر را به نام معاش معلم، تعمیر مکاتب و تهیه کتب و دیگر وسایل تعلیمی دزدیده اند. این گزارش که در دست مسؤلین اداره جناب رئیس جمهور است، باید در دست پدران و مادران فرزندان افغان که به نام آنها پول های وافر را دزدیده اند، از طریق رسانه های همگانی بدسترس مردم افغانستان قرار گیرد. این خیانت بزرگ یعنی خیانت در حق فرزندان افغان نباید پوشیده بماند. جنابان رئیس جمهور و رئیس اجرائیه در برابر مردم افغانستان مسؤلیت بزرگ دارند. من میگویم که فساد در دستگاه معارف و دزدی از فرزندان افغان خیانت بزرگ محسوب می گردد و به صورت خاص قابل تقبیح و پراسان است. آنانی که دزدیدند باید جواب خیانت خود را بگویند. رئیس جمهور حق ندارد خیانت خاینان را به منظور معاملات سیاسی امروز و یا فردا پنهان نماید.

د - پیشنهاداتی چند برای بهبود وضع ابتر معارف کشور به حکومت وحدت ملی: من گفتم که حکومت وحدت ملی وظیفه خود را در برابر مردم افغانستان اجراء نماید. فهدا باید توجه جدي و فوري به معارف کشور در تمامی سطوح تعلیمات عمومی، مسلکی و تعلیمات عالی بنماید. باید بدانیم که سرنوشت حیات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، امنیتی، دولتی، خوب، ارتقای جامعه هوشیار و پاک نفس، دیموکراسی و شخصیت و هویت ملی به نوع، کیفیت و پیشرفت تعلیم و تربیه مناسب و موافق به ضرورت های اصلی وطن ما، تعلق دارد و نباید هیچ کسی از این حقیقت چشم پوشی نماید.

ایجاب می نماید که حکومت وحدت ملی افغانستان به زودی تحت قیادت رئیس جمهور و یا رئیس اجرائیه، یک کمیسیون عالی موقت به نام (کمیسیون عالی ارزیابی و انکشاف معارف) تشکیل نمایند که متشکل از متخصصین افغان باشد که در رشته های تعلیم و تربیه، اقتصاد و امور انکشافی تخصص، صلاحیت و تجربه کاری داشته باشند. به چنین کمیسیون وظیفه و صلاحیت داده شود که در مدت کوتاه حالت جاری، پیشرفت و مشکلات معارف افغانستان را مطالعه و ارزیابی نماید. ضمناً با نظر داشت ضرورت های امروز و فردای کشور، سیاست ملی و ستراتیژی انکشاف تعلیم و تربیه را تشخیص و تهیه نموده و با پیشنهادات پلان های قصیر المدت، میان مدت و طویل المدت انکشاف معارف در کشور، در قالب سیاست، ستراتیژی و پلان گذاری عمومی انکشاف اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی افغانستان به مقامات عالی در کشور تقدیم نماید.

با آنکه مردم افغانستان امید های زیادی از حکومت وحدت ملی داشت که تا حالا هیچ یک از وعده های انتخاباتی عملی نشده است، من امیدوارم که این نوشته که با حسن نیت تهیه گردیده، با وسعت نظر از طرف مقامات عالی حکومت وحدت ملی مطالعه گردیده و اقدامات جدي در مدت کوتاه از طرف آن مقام ها در جهت بهبود حالت زار و ابتر معارف کشور صورت گیرد و نه بیسوادی جامعه افغانستان وسعت خواهد یافت.

پایان